

مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.37298>



مقاله پژوهشی

نقش اصول اخلاقی در تعیین مجازات در قوانین کیفری

سلمان قاسمی فلاورجانی^۱، غلامحسین مسعود^{۲*}، احمدرضا توکلی^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشکده حقوق الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشکده حقوق الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشکده حقوق الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تعیین مجازات و اتخاذ قوانین کیفری با شیوه‌ها و رویکردهای مختلفی همراه می‌شود. با توجه به برجسته‌شدن نقش اخلاق در قوانین کیفری اجتماع‌گرایانه و انسان‌محورانه، پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش اصول اخلاقی در تعیین مجازات است. **مواد و روش‌ها:** روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و شیوه تحلیل داده‌ها نیز به صورت استنباطی است. جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع حقوقی انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در مقاله حاضر جنبه‌های اخلاقی تحقیق ضمن معرفی منابع مورد استفاده و امانتداری علمی رعایت شده است.

یافته‌ها: اعمال اصول اخلاقی بر مبنای توجه به رویکردهای حبس‌زدایانه، بازپروری و اصلاح مجرمان، روش‌های جایگزین مجازات و همچنین دفاع از روش‌های تأمینی و تربیتی، کمک شایانی به مجرمین، نهاد خانواده و افرادی که به اشکال مختلف با مجرمان و بزه‌کاران در ارتباط هستند، می‌کند. قانون مجازات اسلامی نیز رویکرد اخلاقی را بر مبنای زندان‌زدایی و کمک به مجرمان و بزه‌کاران در جرائم غیر عمد در نظر گرفته است.

نتیجه‌گیری: گذر از رویکرد عدالت سنتی و حرکت به سمت الگوهای انسانی و اخلاقی، کمک به مجرمان غیر عمد و جرائم کوچک، ترویج روش‌های جدید جایگزین مجازات و همچنین توجه به مشارکت مردم در ساماندهی امور قضایی، جلوه‌های مداخله اخلاق در تعیین مجازات و قوانین کیفری هستند که نیازمند توجه بیشتری می‌باشند.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

واژگان کلیدی:

اصول اخلاقی

مجازات

قوانین کیفری

اخلاق

* نویسنده مسئول: غلامحسین مسعود

آدرس پستی: ایران، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد

اسلامی، دانشکده حقوق الهیات و معارف

اسلامی، گروه حقوق

کد پستی: ۸۵۱۴۱۴۳۱۳۱

پست الکترونیک:

gh.masoud@iaun.ac.ir

۱. مقدمه

هر نظام سیاسی و اجتماعی برای سامان بخشیدن به امور جامعه و همچنین استقرار مناسبات عادلانه نیازمند برقراری قوانین و حاکم کردن مجازات برای افرادی است که به دلایل مختلفی اقدام به نقض قوانین و انجام اعمال بزه کارانه و مجرمانه می‌کنند. در این میان دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی بر این باور هستند که اجرای دقیق و نعل به نعل قوانین می‌تواند باعث تنبیه مجرمان و بزه کاران باشد و نظر مساعدی درباره ورود اخلاق به قوانین ندارند. برخی دیگر از دیدگاه‌ها نیز به نقش آفرینی اخلاق در حقوق، تعیین مجازات و قوانین کیفری واقف هستند و تا جایی که این مسأله توجه نشان داده‌اند که مبحثی تحت عنوان «اخلاق‌گرایی حقوقی» نیز شکل گرفته است. بر مبنای این دیدگاه، اهمیت قائل شدن به اصول و بایسته‌های اخلاقی می‌تواند نقش مؤثری در کارآمدی قوانین کیفری و تعیین مجازات داشته و حتی باعث پذیرش هرچه بیشتر قوانین مزبور از سوی مردم گردد.

علاوه بر این، امروزه نیز شیوه‌های متعددی برای دخیل کردن عناصر اخلاقی در تعیین مجازات و قوانین کیفری مطرح شده است که طیف متعددی از دیدگاه‌های اجتماع‌محور، مشارکتی، ارفاقی و شیوه‌های متعدد حبس‌زدایی را مورد توجه قرار داده‌اند. این دیدگاه‌ها بر این باور هستند که اصول اخلاقی با اهمیت قائل شدن به زمینه‌های اجتماعی، مناسبات سیاسی و اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی مجرمان و همچنین کاستن از زندان و حبس، نقش مهمی در شکل‌گیری جامعه سالم و عادلانه خواهد داشت. نظریات اخلاقی، دیدگاهی پویا نسبت به قوانین کیفری داشته و درصدد هستند تا با بهره‌گیری از این پویایی حقوقی، همواره راهکارهای جدیدی برای بهبود وضعیت حقوقی جامعه ارائه کنند. مؤثرترین شیوه برای برقراری این رویه، در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و همچنین توجه به ویژگی‌های فردی و مناسبات اجتماعی است. از این جهت تدابیر حقوقی که برای تعیین مجازات و قوانین کیفری در نظر

گرفته شده است، نمی‌تواند بدون توجه به اصول و عناصر اخلاقی تدوین و به اجرا گذاشته شود.

دلایل دیگری که برای بهره‌گیری از روش‌های اخلاقی در تعیین مجازات و قوانین کیفری وجود دارد، کاستن از هزینه‌های دولت و نظام‌های حقوقی است. این رویکرد باعث شده تا نظام‌های حقوقی بدین مسأله توجه نشان دهند که هزینه‌های مجازاتی نظیر زندان، مخصوصاً زندان‌های مادام‌العمر و آثار سوء زندان بر رفتارهای افراد، از هم‌پاشیدن نظام خانواده، تحمیل هزینه‌های اقتصادی به نوعی باعث ایجاد چالش‌های متعددی برای دولت‌ها نیز خواهد شد. بنابراین تلاش‌های گسترده‌ای در راستای اهمیت قائل شدن به اصول اخلاقی در تعیین مجازات و اعمال آنان در قوانین کیفری صورت گرفته است. این تحولات مخصوصاً از دهه ۱۹۸۰ و با مطرح شدن سیاست‌های اجتماعی جایگزین حبس از شدت بیشتری برخوردار شده است. نظام حقوقی ایران نیز پس از انقلاب با تأثیرپذیری از شرایط موجود و مخصوصاً برای کاستن از هزینه‌های ناشی از زندان و کمک به خانواده‌های زندانیان، اقدامات متعددی را انجام داده است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سایر قوانین کیفری قابل مشاهده می‌باشد.

با عنایت به اهمیت اصول اخلاقی در مناسبات حقوقی، پژوهش حاضر درصدد است تا به بیان و تشریح راهکارها و رویکردهای اخلاقی در تعیین مجازات بپردازد. مسأله حاضر هم ناظر بر شرایط مجرمان و بزه کاران و هم ناظر بر شرایط اجتماعی هر جامعه‌ای است که به انحای مختلف درگیر مسائل مرتبط با تعیین مجازات و اعمال آنان در جامعه هستند. به عبارت دیگر پژوهش حاضر با طرح این سؤال که مهم‌ترین روش‌های اعمال قواعد و اصول اخلاقی در تعیین مجازات کدام است؟ این فرضیه را طرح کرده است که توجه به زمینه‌های اجتماعی، عوامل فردی، استفاده از نظام آزادی مشروط، تخفیف مجازات، مجازات جایگزین حبس و توجه به جبران خسارات

مادی و معنوی بزه‌کاران در برخی شرایط، از جمله نشانه‌های کاربرست اصول اخلاقی در تعیین مجازات هستند.

۱-۱. پیشینه تحقیق: بررسی و تحقیق درباره نقش اخلاق در مجازات و قوانین کیفری مبحثی جدید و متعلق به نظام‌های کیفری معاصر است که با برجسته‌شدن نقش آموزه‌های حقوق بشری، از اهمیت خاصی برخوردار شدند. بر همین اساس، برخی پژوهش‌های داخلی به این مسأله توجه نشان داده‌اند:

در پژوهش جمادی و همکاران (۱۳۹۹ ش.) با عنوان معافیت از کیفر در فقه اسلامی، میان کنشی اخلاقی، تربیتی و حقوقی این نتیجه حاصل شد که مهم‌ترین هدف جرم‌شناختی، اصلاح اجتماعی و تربیت مجرمان است که علاوه بر کاهش جرم، وضعیت اخلاقی جامعه را نیز بهبود می‌بخشند. نویسندگان در این اثر، درصدد ارتباط برقرارکردن میان قواعد حقوقی و اخلاقی هستند. غلامی و خاکسار (۱۳۹۸ ش.) نیز در مقاله‌ای به این نتیجه می‌رسند که اصلاح قوانین مربوط به مجازات جایگزین حبس امری ضروری است که از طرف قضات نیازمند تغییرات اساسی است. عدالت ترمیمی، پیشگیری از برچسب‌زنی به مجرمان و اصلاح رویه‌های حقوقی در تعیین مجازات، مهم‌ترین نکات مورد توجه نویسندگان هستند. مقاله افراسیابی و همکاران (۱۳۹۷ ش.) نیز با عنوان مبانی قانونی و اخلاقی جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران، به محدودیت‌های اخلاقی و قانونی در نظام تقنینی ایران پرداخته و شرایط برخاسته از دین اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان مرزهای جرم‌انگاری پذیرفته است. پژوهش همت و همکاران (۱۳۹۷ ش.) با عنوان مبانی و ضرورت اعمال جایگزین‌های حبس در مورد کودکان و نوجوانان (در پرتو نگاه تطبیقی به تجربه حقوق ایران و آمریکا)، نقش سیاست افتراقی را برای اعمال جایگزین حبس مورد توجه قرار داده است و به تفاوت در بزه‌کاری در سنین کودکی و نوجوانی و بزرگسالی در حقوق ایران و آمریکا پرداخته است. پژوهش مذکور چندان وارد مباحث اخلاقی نمی‌شود. در مقاله وروایی و همکاران (۱۳۹۳

ش.) نیز با عنوان تأثیر اخلاق در جرم‌انگاری و جرم‌زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران به این مسأله پرداخته شده است که تنظیم نظام اخلاقی و قانونی وابسته به اخلاق عمومی به عنوان یکی از حقایق مسلم و انکارناپذیر است.

پژوهش‌های ذکرشده از جهات مختلفی می‌توانند به مثابه نردبانی برای بالارفتن به سوی تحلیل مباحث اخلاقی در تعیین مجازات در نظر گرفته شوند. هر یک از پژوهش‌ها از جهات مختلفی بر نقش روش‌های انسانی و اخلاقی در تعیین مجازات و جلوگیری از حبس و زندان تأکید می‌کنند، اما در پژوهش حاضر سعی بر این بوده که نگاه جامعی اتخاذ شود و رویکردها و روش‌های متعددی که از حیث اخلاقی قابلیت کاربرد در تعیین مجازات در قوانین کیفری دارند، مورد توجه قرار بگیرد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در مقاله حاضر جنبه‌های اخلاقی ضمن معرفی منابع مورد استفاده و امانتداری علمی رعایت شده و حق معنوی مؤلفین آثار، محترم شمرده شده است.

۳. مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و شیوه تحلیل داده‌ها نیز به صورت استنباطی است. منابعی که پژوهشگر از آنان بهره برده، غالباً حقوقی است و گردآوری داده‌ها به شیوه فیش‌برداری انجام شده است.

۴. یافته‌ها

اصول اخلاقی در تعیین مجازات در واقع معطوف به مرحله اعمال مجازات و در نظرگرفتن نظام تنبیهی و بازدارنده برای فرد مرتکب جرم، بزه‌کار و یا متخلف است. در این مرحله، قانونگذار و قاضی صادرکننده حکم باید با درک شرایط اخلاقی و توجه به نظام تنبیهی جایگزین یا آنچه تحت عنوان مجازات

شخصیتی است. همانطور که برای درمان مناسب یک بیماری، به بررسی علل و شناخت آن پرداخته می‌شود، برای تعیین مجازات متناسب با شخصیت و حالت خطرناک مجرم نیز باید شاخص‌هایی که تحت تأثیر آن مرتکب جرم شده است و نیز استعداد و تمایلات جسمی و روانی را مورد مطالعه قرار داد؛ مجازات هدف نهایی نیست، بلکه وسیله‌ای برای اصلاح مجرم و بازگشت او به زندگی اجتماعی است. اصلاح و درمان بزه‌کار، از جمله کارکردهای اجرای کیفری است که به معنای لحاظ نمودن شخصیت مرتکب در فرایند عدالت کیفری، به منظور همسان کردن با نوع کیفر و نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی است. به همین منظور در اعمال مجازات با توجه به شرایط بزه‌کار باید عواملی را مورد نظر قرار داد.

۵. بحث

اصول اخلاقی در تعیین مجازات و ورود این اصول به حیطه قوانین کیفری در واقع هم ناظر بر شرایط فردی و شخصیتی بزه‌کار و هم ناظر بر شرایط اجتماعی و بستری است که اعمال مجرمانه در آن رخ می‌دهد. به همین دلیل برای کاستن از آلام و عواقب فردی و اجتماعی ناشی از مجازات، از جمله حبس و یا اعمال مجازات‌های سنگین، شیوه‌های دیگری در حقوق کیفری پیشرفته در نظر گرفته شده است که رویکردی اخلاقی و انسانی در پیش گرفته‌اند. رویکردهای مزبور، تحت تأثیر داده‌های جرم‌شناسی و مکاتبات تحقیقی و دفاع اجتماعی، اصل فردی کردن مجازات‌ها، حکم محکومیت‌ها با توجه به پرونده شخصیت متهم در قالب نهادی مانند تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط سامان یافته‌اند.

۵-۱. بهره‌گیری از نظام آزادی مشروط: نهادهای ارفاقی، از جمله آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، مرور زمان و تخفیف مجازات، تحت تأثیر نظریات علمی به وجود آمدند تا در مورد مجرمانی که اصلاح‌پذیر هستند، اعمال شوند و از به کارگیری مجازات‌های غیر ضروری در مورد آن‌ها جلوگیری به

اجتماعی جایگزین مطرح می‌شود، در ارتباط با قوانین کیفری، تدابیری بیندیشند. اصول اخلاقی همچنین به زمینه‌های اجتماعی وقوع جرم و مؤثر دانستن زمینه‌های مزبور در تعیین مجازات، درک وضعیت مجرم و یا بزه‌کار و جلوگیری از آبروریزی وی، ایجاد نظام تنبیهی متناسب با شخصیت افراد، برقراری و تشویق نظام آزادی مشروط به عنوان معیارهای اخلاقی در تعیین مجازات می‌نگرد. بنابراین مقصود از اصول اخلاقی در تعیین مجازات، درک شرایط شخصی و محیطی مجرم، عوامل و زمینه‌های بروز جرم و ترتیب اثردادن آن شرایط بر تعیین مجازات و یا عبور کردن از آن، بهره‌مندی از روش‌های اصلاحی برای بازپروری مجرم و بزه‌کار، استفاده از مجازات جایگزین و سازگار کردن وی با محیط زندگی وی است. در این صورت، هدف اصلی از مجازات که پیشتر با عنوان شناسایی مجرم به عنوان فردی ناسازگار با جامعه در نظر گرفته می‌شد، به مساعدت به فردی تبدیل می‌شود که باید معیارهای اخلاقی را کسب کرده و مجدداً به صحنه اجتماع بازگردد. شکل‌گیری این رویه نیازمند درک عوامل فردی، محیطی، زمینه‌گرایی و تعامل حقوق با اصول اخلاقی است.

یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مراحل در فرایند رسیدگی در سیستم‌های عدالت کیفری، مرحله تعیین مجازات و سپس اجرای آن می‌باشد. از آنجا که تعیین مجازات باید با رعایت میزان مسئولیت مرتکب جرم صورت گیرد و از آنجا که میزان مسئولیت مرتکب جرم به شرایط و اوضاع احوال ارتکاب آن و سوابق اجتماعی و خانوادگی و حالات روانی مجرم بستگی دارد. بنابراین کاربست اصول و قواعد اخلاقی در یک نگاه به معنی درک شرایط و زمینه‌های روحی و روانی، فردی و اجتماعی بزه‌کار است. به عبارت دیگر بزه‌کار، در نتیجه عوامل مختلف مرتکب جرم شده است. این عوامل گاه منشأ اجتماعی دارد مانند فقر، بیکاری، بی‌توجهی به ارزش‌های تربیتی و مسائل اخلاقی در خانواده یا محیطی که بزه‌کار در آن رشد می‌کند و گاه دارای منشأ روانی از قبیل اختلالات روحی و

عمل آید. به طور کلی در رأس مجازات‌ها نیز زندان و حبس قرار دارد که اغلب رویکردهای انسانی و اخلاقی درصدد کاستن از ورود به زندان و به اصطلاح زندان‌زدایی است. رویکردهایی که در یک نگاه کلان به عنوان مجازات جایگزین از آنان نام برده می‌شود. این نهادهای ارفاقی هم به نفع جامعه و هم راهی برای جلوگیری از حبس‌های کوتاه‌مدت است (۱). استدلال اخلاقی در جهت زندان‌زدایی این است که هزینه‌های دولت برای نگهداری از مجرمین را کاهش می‌دهد و هم اینکه راهی برای اصلاح و بازپزیری مجرمین اصلاح‌پذیر فراهم می‌کند. همچنین در این رویه اخلاقی عقیده بر این است که اخراج از جامعه و زندگی در زندان، خود منشأ مشکلات بسیاری برای دولت‌هاست. این نوع برخورد با مجرمین مستلزم هزینه‌های مادی فراوان است. همچنین زندانیانی را که حبس ابد دارند باید تحت تدابیر ویژه حفاظتی و امنیتی قرار داد، چراکه این زندانیان چیزی را برای از دست دادن ندارند و همواره مترصد فرصتی برای فرار هستند. همچنین در زندان، باندهای مجرمانه را شکل می‌دهند و از طرفی ممکن است دچار اعتیاد شوند. هزینه‌های نگهداری، حفاظتی، تبعات تشکیل باندهای مجرمانه و هزینه ترک اعتیاد این دست مجرمان رقم بالایی در ردیف بودجه سازمان زندان‌هاست که شاید اگر این بودجه صرف اقدامات پیشگیری محور می‌شد با جامعه‌ای سالم‌تر رو به رو بودیم.

یکی از موارد اخلاقی که می‌تواند در عرصه تعیین مجازات در قوانین کیفری وارد شود، استفاده از نظام آزادی مشروط است. در این روش، مجرم پس از سپری کردن مدتی از مجازات خود در زندان، آزاد می‌شود، در حالی که همچنان از نظر قانون و سازمان زندان‌کننده تحت نظارت قرار دارد (۲). استفاده از نظام آزادی مشروط در واقع برگرفته از اصول اخلاقی در راستای توجه به اصلاح و بازسازگاری اجتماعی محکوم است. همچنین آزادی مشروط در زمره برنامه‌های اصلاحی، تربیتی و اجتماعی است که تسهیل‌کننده سازگاری مجدد محکوم در

جامعه خواهد بود. این رویکرد به عنوان رویکردی موسع در جایگزین مجازات حبس است که البته می‌بایست با نظارت نیز همراه باشد (۳). رویکرد بازسازگاری از آن جهت اخلاقی است که می‌تواند به اصلاح و بازپزیری فرد مجرم و ورود مجدد وی به جامعه کمک نماید. رویکرد آزادی مشروط که مبتنی بر سازشی برای برقراری تعادل میان نظام عدالت کیفری و تعیین مجازات و همچنین اصلاح فرد است، رویکردی اصلاحی متکی بر نقش توانمندی مجرم و قانونگذار است.

در رویکردهای جدید که مخصوصاً با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است، می‌توان نقش اصول و قواعد اخلاقی را در تعیین مجازات و اتخاذ قوانین کیفری ملاحظه نمود، از جمله می‌توان به معافیت از مجازات، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، نظارت الکترونیکی، مجازات‌های جایگزین حبس که خود مشتمل بر دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی اشاره نمود. بنابراین قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرراتی ابداع کرده است که در قوانین قبلی سابقه نداشته است و موجب کاستن از مجازات حبس می‌شوند.

۵-۲. انسانی‌کردن مجازات و حبس‌زدایی: اصول اخلاقی
در واقع بر انسانی‌کردن مجازات به جای اجباری‌کردن و تحمیل قوانین تأکید می‌کنند. در این صورت، قانون تعیین‌کننده مجازات در دوره معاصر به دنبال شخصی‌کردن مجازات و انسانی‌نمودن آن است. قانونگذار ممکن است با دخالت دادن نظرات و دیدگاه‌های مجرم در انتخاب مجازات و اعطای اختیار و آزادی به وی، عدالت کیفری عمومی را نوعی عدالت تحمیلی تلقی می‌کند، لیکن در رویکرد اخلاقی و انسانی معاصر، قانونگذار به دنبال تحقق عدالت ترمیمی و مذاکره‌ای است (۴) که خود نشانگر اثرگذاری رویکرد اجتماع محور، مذاکره‌ای و ملاً اهمیت راه‌کارهای جایگزین حبس در تعیین مجازات و اجرای آنان است.

اصل اخلاقی «زندان‌زدایی» نیز به عنوان یک رویکرد جدید در نظام تعیین مجازات قابل توجه است. قوانین کیفری با توجه به رویکرد زندان‌زدایی، درصدد هرچه اخلاقی‌تر کردن و انسانی‌تر کردن مجازات برای مجرمان نیز هستند. استدلال این است که زندان علاوه بر جنبه تنبیهی و بازدارنده، می‌تواند مکانی برای آشنایی با انواع و اقسام جرائم باشد، همچنانکه ممکن است افرادی که زندان می‌روند، خود را مهیای انجام اعمال جدیدی نمایند که پیش‌تر آشنایی با آنان نداشتند، در نتیجه افرادی که از زندان بیرون می‌آیند، با انواع جرائم آشنایی کامل پیدا می‌کنند (۵). تا جایی که به گفته مارک آنسل زندان ضمن آنکه باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزه‌کاری باشد، از همان ابتدا به صورت یک مدرسه تکرار جرم بوده یا به آن تبدیل شده است (۶).

اصل اخلاقی حمایت از نظام خانواده، کاستن از هزینه‌های مالی و مادی و همچنین کمک به خانواده‌هایی که سرپرست، فرزندان و یا فردی از اعضای خانواده در زندان به سر می‌برد، از جمله عوامل مؤثر دیگری هستند که می‌بایست در تعیین مجازات و اعمال قوانین کیفری در نظر گرفته شوند. در این رویکرد استدلال می‌شود که زندان بر همسر، خانواده، نزدیکان و به طور کلی همه اعضای خانواده، آثار سوء و نامطلوبی در پی دارد، ضمن اینکه زندانی شدن سرپرست خانواده به عنوان یکی از تبعات مجازات ممکن است علاوه بر محروم کردن خانواده از پشتیبانی مالی، هزینه‌های زیادی را نیز بر دوش سایر اعضای خانواده گذاشته و چه بسا در برخی مواقع زن و فرزند محکوم‌اند که بدهی و هزینه‌های جانبی اقامت پدر یا شوهر خود را در زندان تحمل کنند (۷). با توجه به نقش اثرگذار زندان بر رفتارهای نظام خانواده، تحمیل هزینه‌های گزاف بر اعضای خانواده و بی‌اعتبار کردن مجرمان و سایر اعضای خانواده، تعیین مجازاتی که بتواند در راستای اصل زندان‌زدایی باشد، گامی مهم و اخلاقی است، زیرا در زندان، معاشرت و مصاحبت با بزه‌کاران خطرناک و حرفه‌ای باعث یادگیری

شیوه‌های ارتکاب جرم و تکرار آنان پس از خروج از زندان می‌شود (۸).

تعیین مجازات می‌بایست به نحوی باشد که از نظر اخلاقی و انسانی بتواند مجازات حبس را کاهش داده و یا موانع نسبتاً مستحکمی در برابر جرم و ارتکاب به آن ایجاد نماید. به همین دلیل باید از اصل زمینه‌گرایی و توجه به بسترها و در نظر گرفتن شرایط متفاوت هر مجرم برای تعیین مجازات آگاه بود. اصل اخلاقی نهفته در این رویکرد، تفکیکی میان مجرمان قائل می‌شود و افرادی را که به دلایلی، از جمله فقر، نادانی، ناآگاهی و یا کنجکاوای دست به اعمال مجرمانه زده و دیگرانی را که به شیوه‌ای عمدی و با دورزدن قانون، اقدام به چنین کاری می‌کنند، تفکیک قائل می‌شود. به عنوان نمونه، باید نگاه قاضی به فردی که تمام امکانات رفاهی برای او فراهم است و مرتکب جرمی می‌شود، با کسی که با فقر دست و پنجه نرم می‌کند، فرق داشته باشد (۲). اصل زمینه‌گرایی و توجه به بسترهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اعتقادی همچنین با دفاع از تعیین مجازات سازگار با اخلاق و بایسته‌های ارزشی جامعه، به دنبال تطابق مجازات با ارزش‌های مزبور است. بر همین اساس، مقرر قانونی باید به نحوی باشد که با فرهنگ عمومی جامعه مطابقت داشته باشد (۹). اهمیت دادن به بسترها هم در پیشگیری از جرائم و جلوگیری از ارتکاب مجدد اعمال مجرمانه و هم در تعیین مجازات متناسب با رفتار مجرم اثرگذار است که خود نیز نوعی رویکرد اخلاقی در تعیین مجازات به شمار می‌رود. این شیوه از تعیین مجازات بر این نکته تأکید می‌کند که می‌بایست به مطالعه بزه‌کار پرداخته شده تا نحوه و دلایل ارتکاب جرم مشخص شده و راهکار درمانی متناسب شخصیت وی در نظر گرفته شود. این شیوه باعث می‌شود تا از بازسازی اجتماعی مجرم و بزه‌کار اطمینان بیشتری حاصل شود. متصف شدن تعیین جرم به وصف زمینه‌گرایی به این معناست که بزه‌کار در بسترش معاینه شده و این رویکرد نیز دارای ابعاد روانی و پزشکی است که بدین

معناست که فرد بزه‌کار همانند یک بیمار مطالعه می‌شود (۱۰). بر مبنای اصل اخلاقی زمینه‌گرایی و تعیین جرم است که جرم‌شناسی بالینی مطرح شده و در قوانین کیفری به آن معناست که بزه‌کار در فرایند کیفری، بیمار پنداشته می‌شود و برای رهایی از این بیماری، نیاز به درمان دارد. طیف وسیعی از نظریه‌های روان‌شناختی در زمینه جرم‌شناسی مطرح می‌شوند.

۵-۳. مجازات اجتماعی جایگزین: گذر از الگوی عدالت ترمیمی سنتی که دولت را به عنوان محور جبران خسارات و یا اعمال بزه‌کارانه تلقی می‌کرد، بخش مهم دیگری از نتیجه حاکم‌شدن اصول اخلاقی در تعیین مجازات است. در این شیوه جدید که عدالت ترمیمی انسان‌محور نامیده می‌شود، اصول اخلاقی ناظر بر شرایط مجرم، زمینه اجتماعی و بستری است که در آن، اعمال مجرمانه رخ می‌دهند. بر این اساس، در الگوی جدید به نظام اجتماعی و بزه‌دیدگان توجه بیشتری نشان داده می‌شود، بدین معنا که جرم به عنوان رفتاری در نظر گرفته می‌شود که بیش از آنکه تعدی و تجاوز به حریم دولت در نظر گرفته شود، رفتاری متعارض و ضدیت با حقوق مردم پنداشته می‌شود. رویکرد اخلاقی روش نوین آن است که در عرصه جرائم کیفری به جای التیام‌بخشیدن به صدمات وارده‌شده به دولت، به صدمات واردشده به افراد اعم از بزه‌دیده و بزه‌کار توجه نشان داده می‌شود. مرکز ثقل این دیدگاه اخلاق‌محور آن است که می‌بایست به علل و انگیزه و حتی صدماتی که به بزه‌کار در شرایط خاص وارد می‌شود، توجه شود، زیرا بزه‌کاران نیز در بعضی شرایط به عنوان بزه‌دیده هستند (۱۱). اطلاق صفت بزه‌دیده به شخص بزه‌کار به معنای جبران خسارات مادی و معنوی است که ممکن است در تناسب با جرم مرتکب‌شده نباشد. همچنین به طور غیر مستقیم به نقش ساختار و بسترهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز می‌پردازد که بر اساس آن، بزه‌کار در آن شرایط دست به اعمال مجرمانه زده است. در هر صورت عدالت ترمیمی نوین به معنای آن است که جایگزینی کینه و انتقام با

تعهد و احساس عمیق اجتماعی، ساختاری کاملاً نو برای درک و ارائه پاسخ‌دهی به جرم و بزه‌دیدگی و در نظرگرفتن متغیرهای متفاوت هر جامعه در شکل‌گیری اعمال بزه‌کارانه و رفتارهای مجرمانه است.

مجازات اجتماعی جایگزین راه مؤثر دیگری است که در تعیین مجازات کاربرد دارد و مبتنی بر اصول اخلاقی است، زیرا رویکردی که در مجازات اجتماعی جایگزین دنبال می‌شود، تأمین اهداف اصلاحی و بازگرداندن مجرم به جامعه است. رویه اخلاقی از آنجایی نمود پیدا می‌کند که در مجازات اجتماعی جایگزین به مجرمین پیشنهادهایی داده می‌شود که بتوانند بر مشکلات خود غلبه کرده و از مشکلات آینده‌شان نیز فاصله بگیرند (۱۲). فلسفه مجازات اجتماعی جایگزین و پیوند آن با اصول اخلاقی به معنای آن است که در این رویکرد، علاوه بر آنکه تنبیه، نظارت و کنترل مجرمین تأمین می‌شود به آنان نیز کمک می‌شود تا مطابق نیازشان برای تغییر رفتار مجرمانه و بهبود شرایط پیشین اقدام نمایند. همچنین باید به مجرمین نشان داد که آن‌ها نیاز دارند تا از اینکه به عنوان یک خطر برای جامعه محسوب شوند، دوری بجویند و راهی جدید را برای اینکه یک عضو مفید و کارا برای جامعه خویش شوند باز کنند و باید کمک کرد به مجرمین تا چرخه ارتکاب جرمشان را به پایان رسانند. عدالت کیفری و قوانینی که برای تحقق این هدف در نظر گرفته می‌شوند، می‌بایست اخلاق‌مدار و انسان‌مدار باشند و به مجرم به مثابه یک فرد تلف شده نگریسته نشود، بلکه باید هدف اصلی از تعیین و برقراری مجازات، اصلاح و بازپروری فرد و بازگرداندن وی به حالت فردی پویا و مفید برای جامعه از طریق توسل به ابزارهای کیفری، باشد (۱۰). علاوه بر این، کیفرهای اجتماع‌محور و سازگارکردن قوانین کیفری با عرف و ارزش‌های جامعه بخش دیگری از وجه اخلاقی مجازات اجتماعی است. در این رویکرد، قانونگذار با تنوع‌بخشیدن به شیوه‌های مجازات و بسنده‌نکردن به زندان و تنبیهاتی که ممکن است باعث بی‌اعتباری دائمی

مجرم و بزه‌کار گردد، اصول اخلاقی و انسانی‌تری را در نظر می‌گیرد.

مجازات‌های اجتماع‌محور به دلیل آنکه درصدد بازپذیری اجتماعی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در بزه‌کار هستند، بر مبنای اصول اخلاقی به پیش می‌روند. در این رویکرد، علاوه بر اینکه از زندان‌رفتن افراد جلوگیری شده و مانعی برای شکل‌گیری اعمال سوء در آنان ایجاد می‌شود، با احیای احساسات نیک انسانی، مسئولیت اعمال فرد بزه‌کار را به وی گوشزد نموده و در مجازات‌هایی چون خدمات اجتماع‌محور و تعلیق مراقبتی از مهارت‌ها یا آموزش‌های لازم، بهره‌مند می‌گردد و زمینه بازگشت وی به جامعه فراهم می‌شود؛ ضمن اینکه فلسفه اخلاقی دیگری که در مجازات‌های اجتماع‌محور تعبیه شده این است که فرد بزه‌کار، از عمق و صدمه ناشی از رفتار خود نسبت به جامعه و بزه‌دیده آگاه می‌شود و درصدد جبران برمی‌آید.

وجه دیگر کاربست اصول اخلاقی در تعیین مجازات و اعمال قوانین کیفری توجه به تفکیک جرائم، تفکیک گروه‌های سنی و در یک کلام بهره‌گیری از سیاست افتراقی است. در این رویکرد به طور مثال بر تفکیک کودک و نوجوانان از بزرگسالان تأکید شده و بر فاصله کیفری و توسل به ابزارهای جایگزین حبس تأکید می‌شود (۱۳). در این رویکرد اخلاقی که از آن با عنوان سیاست افتراقی نام برده می‌شود، کیفر حبس برای مجرمین فاقد سابقه، کودکان و نوجوانان و حتی افرادی که به دلایل سهوی مرتکب اعمال بزه‌کارانه و مجرمانه می‌شوند، با دیده تردید نگریسته می‌شود. در رویکرد افتراقی، آنچه مهم است اینکه واکنش‌های اجتماعی نسبت به بزه ارتكابی کودکان و نوجوانان، باید دارای ماهیتی حمایتی - تربیتی بوده و به منظور ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و انعقاد شخصیت متعادل در آن تعیین و اجرا گردند. رویکرد مزبور علاوه بر توجه به شرایط خاص کودکان و نوجوانان کمک شایانی به فرایند حبس‌زدایی نیز می‌نماید و با پیشگیری از

حبس، از تحمیل هزینه‌های مالی و مادی ناشی از زندان برای دولت نیز می‌کاهد و راهکارهای کم‌هزینه و مؤثرتری را برای کودکان و نوجوانان بزه‌کار در نظر می‌گیرد (۱۴). در این صورت، حقوق کودکان و ضرورت صیانت از آنان به عنوان موجوداتی ناتوان‌تر، محل توجه است و بیشترین حد از مصونیت و امنیت نیز برای آنان فراهم می‌شود. قانونگذار در این شرایط با اتخاذ بهترین روش به چالش نادیده‌گرفتن حقوق کودک و نوجوان در قانون پاسخ می‌دهد و حمایت‌های ویژه و افتراقی از خردسالان به عمل می‌آورد. در رویکرد افتراقی برای کودکان و نوجوانان، سیاستگذاری بر مبنای سزادهی و مجازات زندان در حال کناررفتن است و راهکارهای تربیتی و تأدیبی برای پاسخگویی به اعمال بزه‌کارانه کودکان در نظر گرفته شده است (۱۵). سیاست افتراقی با توجه به نگاهی که به تأدیب و جلوگیری از مجازات سرکوبگرانه برای کودکان و نوجوان اعمال می‌کند، همچنین با توجه به اینکه به دنبال کاستن از هزینه‌های دولت در زمینه حبس و زندانی کردن مجرمان است، رویکردی اخلاقی و انسان‌مدارانه است.

۴-۵. توجه به شخصیت مجرم به جای اعمال مجرمانه:

ملاحظه کردن حیثیت و آبروی افراد در تعیین مجازات بخش مهمی از نقش اخلاق در تعیین مجازات را نشان می‌دهد که نباید از آن غفلت ورزید. بنابراین برای وارد کردن اخلاق در تعیین مجازات، یک راهکار مناسبی وجود دارد و آن هم اینکه، «شخصیت مجرم» را به جای اعمال و رفتارهای وی مورد توجه قرار داد و یا اینکه نقش متعامل و هم‌زمان آنان را در نظر گرفت، زیرا آنچه مطرح است اینکه در قانون، تنها به اعمال مخل نظم اجتماعی پرداخته شده و اعتنایی به شخصیت بزه‌کار نمی‌شود. توجه به شخصیت بزه‌کار به عنوان رویکردی اخلاقی می‌تواند به قوانین خشک و بی‌روح انعطاف بدهد و حتی در پاره‌ای از مواقع باعث می‌شود تا مجرم، در شرایط خاصی مجازات نشود (۱۶). گذر از مجازات به معنای نادیده‌گرفتن رفتارهای هنجارشکنانه در جامعه نیست، بلکه به

معنای در نظر گرفتن شرایطی است برای توجه به شخصیت مجرم، زمینه‌های بروز جرم و همچنین عللی که منجر به وقوع جرم شده است. در هر صورت در قوانین کیفری اسلام همواره اصل «کرامت‌مندی» انسان محل توجه است و با مجرم شناخته شدن فرد نیز به پایان نمی‌رسد. به عبارت دیگر در تعیین مجازات باید این اصل اخلاقی مد نظر قرار گیرد که انسان به دلیل ارتکاب جرم از مقام انسانیت ساقط نمی‌گردد و مجازات می‌بایست به نحوی باشد که نیازهای بزه‌دیده و جبران خسارات مادی و معنوی وی را مد نظر قرار دهد (۱۷). بنابراین حتی پس از انجام عمل مجرمانه، نباید تنها به زندان به عنوان یگانه راه برای مقابله با جرائم اجتماعی نگریست، بلکه با مبنا قراردادن شخصیت مجرم و مذاقه در وضعیت روحی و روانی، مقام و موقعیت اجتماعی فرد و همچنین میزان عمدی و یا سهوی بودن عمل مجرمانه، رویکرد اخلاقی‌تری در قبال تعیین مجازات در نظر گرفت.

۵-۵. توجه به رویکردهای اصلاح و درمان: هدف اصلی از اعمال مولفه اخلاق و یا نقش‌داشتن آن در تعیین مجازات، سهل‌گیری بر مجرمان و یا نادیده گرفتن اعمال بزه‌کارانه در جامعه نیست، بلکه هدف اصلی، ارائه رویکرد متمایزی از مجازات است که نتیجه آن، به جز بازداشتن از اعمال بزه‌کارانه و ممانعت از شکل‌گیری مجدد جرم، بهبود بخشیدن اخلاقی مجرم و اعضای یک جامعه است (۱۸). به نظر می‌رسد اجرای سرسختانه مجازات به تنهایی نمی‌تواند عامل بازدارنده‌ای برای جلوگیری از جرائم باشد، حتی به کارگیری این رویه در امر مجازات، به دلیل تبعاتی که ناشی از زندان و یا خسارات مادی و معنوی در پی دارد، در حال جایگزین شدن با روش‌های اصلاحی و بازپرورانه است. استدلالی که مطرح می‌شود، این است که در شرایطی که نهادهای اصلاحی و تربیتی می‌توانند کارساز باشند، اجرای مجازات‌ها نه تنها آثار و پیامدهای مثبتی در پی ندارد، بلکه آثار منفی نیز به دنبال دارد که زیبنده نظام کیفری آرمانگرا و پیشرفته نیست (۱۹)، بدین ترتیب نظام‌های

کیفری در امر تعیین مجازات می‌بایست اصول اخلاقی مرتبط با شخصیت مجرم را در تعیین مجازات در نظر بگیرند و از رویکردهای اصلاحی به جای رویکردهای سختگیرانه و زندان‌محور استفاده نمایند.

رویکردهای اصلاح‌محور بر دو محور اساسی در تعیین مجازات تأکید می‌کنند: اول اینکه نباید به زندان، به معنی مجازات‌های سنگین و یا آنچه بزه‌کاران و مجرمان را به عنوان تافته‌ای جداافتاده از جامعه می‌داند، به مثابه بهترین روش نگریست؛ دوم اینکه، رویکردهای مؤثر و اصلاحی متعددی وجود دارند که در تعیین مجازات قابلیت کاربرد داشته و علاوه بر اصلاح مجرم، جامعه را نیز در وضعیت ایمنی اخلاقی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر در این روش اخلاق‌محور بر این مسأله تأکید می‌شود که نظام عدالت کیفری در نقش یک بیمارستان است و اجزای مختلف آن نیز شبیه کارکنان یک بیمارستان هستند. در این رویکرد، جرم نوعی بیماری، بزه‌کار به مثابه بیمار و مجریان عدالت نیز پزشک و یا پیراپزشک تلقی می‌شوند (۲۰). به علاوه اینکه در روش‌های اصلاحی بر استفاده از روش‌های نوین در عدالت کیفری نیز توجه نشان داده می‌شود و بهبود نظام رفتاری مجرمانه و بازسازی شخصیت مجرم برای حضور دوباره در اجتماع به عنوان هدفی اخلاقی پیگیری می‌شود. در همین راستا نهادهای مختلفی، از جمله نهاد تخفیف و معافیت از کیفر وجود دارند که به شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم و نیز خصوصیات مجرمان توجه نشان می‌دهند (۱۵). بر این اساس، از طریق بازسازی‌گری و اصلاح مجرم یکی از رسالت‌های اساسی در قانون مجازات اسلامی محقق می‌شود که بر نهادهای تخفیف و سقوط مجازات به عنوان معاذیر قانونی نگریسته است. گاهی لازم است موافق با اصول اخلاقی و با هدف تلاش برای بازسازی‌گری مجرم، از مسؤولیت مجرم کاسته شده و مجازات کمتری بر او تحمیل گردد (۲۱). در این صورت است که با مبنا قراردادن اصلاح اجتماعی و تربیت مجرم، مسیر جدیدی برای گنجاندن اصول اخلاقی برای بهبود

وضعیت اخلاق فردی و اجتماعی در راستای تعیین مجازات گشوده می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

سیاست‌های اعمال اصول و قواعد اخلاقی در تعیین مجازات هم به دنبال کاستن از هزینه‌ها برای مجرمان و بزه‌کاران و هم به دنبال کاستن از هزینه‌های ناشی از نگهداری بزه‌کاران توسط دولت و نهادهای مجری عدالت در جامعه است. بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر، طیفی از روش‌های جایگزین حبس، با تأکید بر نظام آزادی مشروط، روش‌های اصلاحی و درمان مجرم و بزه‌کار، توجه نشان‌دادن به شخصیت و صفات فردی مجرم به جای خود جرم و همچنین ارائه رویکردهای انسانی و متناسب با شرایط بومی هر نظام اجتماعی دیده می‌شود؛ بدین معنا که گام اول برای موفقیت در این رویکرد اخلاق‌مداری کیفری، توجه به زمینه‌ها و عوامل فردی و اجتماعی، مبنا قرارن دادن مجازات‌های حبس به عنوان شیوه برتر در مجازات و همچنین توجه به گذشت، اظهار ندامت و عواملی است که منجر به بازپایی فرد در اجتماع می‌شوند. نقش دیگری که می‌توان برای اصول و قواعد اخلاقی در نظر گرفت، جلوگیری از برچسب‌زنی به مجرم و توجه به این اصل است که مجرم نیز در هر شرایطی که مرتکب جرم شود، انسان است و ملاحظات انسانی نیز باید در قبال وی اعمال گردد.

رویه اخلاقی که امروزه به صورت گسترده در نظام تعیین مجازات مشاهده می‌شود، به طور مشخص در نظام کیفری اسلام نیز وجود دارد و نیازمند بازسازی این رویه کلی و اجرای مصادیق آن در جامعه کنونی هستیم، زیرا از دیدگاه حقوق کیفری اسلام فلسفه مجازات و قوانین کیفری، تأدیب افراد است. کیفر نیز جنبه اصلاحی و تربیتی دارد و بررسی آن تابع قوانین و مقرراتی است که توسط دولت به کار گرفته می‌شود. لذا بایسته است که با وامداری از مبانی قوانین اسلامی طبق مصالح فرد و جامعه، شرایط زمانی و مکانی، ویژگی‌های

اخلاقی، روانی و حتی خصوصیات جسمانی بزه‌کار به تعیین و اجرای کیفر تعزیری اقدام شود. در این صورت، نمی‌توان به طور واحد برای دو مجرم در دو شرایط خاص، حکم واحدی صادر کرد و بر اجرای قوانین کیفری اصرار ورزید. برخی از بزه‌کاران در شرایط نامطلوب اقتصادی و اجتماعی اقدام به اعمال بزه‌کارانه نموده و برخی در شرایط مطلوب و با آگاهی اقدام به همان عمل مجرمانه نموده که در این میان می‌بایست به تفاوت‌ها توجه نشان داد. اینجاست که اخلاق معنا پیدا کرده و می‌بایست در تعیین مجازات در نظر گرفته شود.

امروزه اهمیت اخلاق از جهت توجه به زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی تا جایی است که نیازمند قابلیت انطباق مجازات‌ها با اصول اخلاقی اسلامی هستیم که خود به معنای سازگاری با نیازهای زمان و مکان است. به این معنا در صورتی که عقل به این واقعیت برسد که اجرای مجازات در زمان یا مکان خاصی به صلاح نیست یا مفسده آن بیش از مصلحت آن است و یا در موردی مصلحت اجرای حد با مصلحت مهم‌تری تزامم پیدا کند، توجه به اصول اخلاقی از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود. بر همین اساس، کاستن از زندانیان در جرائم غیر عمد، کمک به خانواده‌های مجرمان و بزه‌کاران در صورت ارتکاب به جرائم غیر خطرناک، تلاش برای اصلاح و بازپروری مجرمان و همچنین بالابردن نقش نهادهای مدنی در اصلاح رویه‌های قضایی، همگی در زمره مداخله و در نظر گرفتن اصول اخلاقی در تعیین مجازات و اجرای قوانین کیفری در نظر گرفته می‌شوند که لازم است در قوانین مجازات اسلامی و رویکردهای قضات محترم دادگاه‌ها نیز مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت مشترک مقاله را نگارش نموده‌اند و در عین حال، مسئولیت ارائه مطالب و صحت آن‌ها، بر عهده نویسنده اول و دوم می‌باشد.

۹. تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

References

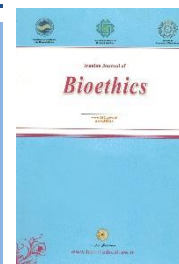
1. Aghaei Janat Makan H. General criminal law. Tehran: Jangal Publications; 2015. p.24.
2. Ashouri M. Alternatives to imprisonment or intermediate sentences. Tehran: Gerayesh Publications; 2001. p.34.
3. Yousefi Neghad N, Aghajani M. A Study of Traditional and Modern Alternatives to Imprisonment in the Islamic Penal Code. *Journal of Studies in Political Science, Law and Jurisprudence*. 2018; 2(20): 45-54.
4. Shams Nateri ME, Kalantari HR, Riyazat Z. Islamic Penal Code in the current legal system. Tehran: Mizan Publications; 2010. p.169.
5. Vaeli A. Prison sentences in Islam. Translated by Bokaei MH. Tehran: Publication of Islamic Culture; 2000. p.219.
6. Ansel M. Social Defense. Translated by Ashouri M, Najafi Aberandabadi AH. Tehran: University of Tehran Press; 2010. p.78.
7. Goodarzi Jahromi MR, Meghdadi L. History of prison developments. Tehran: Mizan Publications; 2005. p.36.
8. Malekpour E. The Impact of Criminals in Prisons to Repeat Crime. *Research Monthly of Nations*. 2018; 2(19): 22-30.
9. Haji Deh Abadi A. Legislative requirements. Tehran: Publications of the Institute of Islamic Culture and Thought; 2003. p.62.
10. Najafi Abrandabadi AH. An Introduction to Populist Criminal Policy. Tehran: Mizan Publications; 2011. p.1315.
11. Hudson B. Justice Thorough Punishment: A Critique of the Justice Model of Correction. London: Macmillan Education Publisher; 1987. p.106.
12. Arbabi Mojaz M. Community-based punishments in Iranian and British criminal law. Tehran: Pejhvake Edalat Publications; 2018. p.242.
13. Brith Wit J. Crime, shame, acceptance. Translated by Sabouhi R, et al. Tehran: Majd Publications; 2017. p.38.
14. Ghoorchi Beigi M, Shahrani M. The rate of sentencing in juvenile delinquency after the passage of the Penal Code 2010. *Legal Journal of Justice*. 2010; 82(102): 70-79.
15. Niyazpour AH. Iran's Criminal Justice Responses to Juvenile Delinquency. *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies, Police Crime Prevention Police*. 2008; 5(14): 66-74.
16. KhosroShahi GH, Amiri Sabet H. An Analysis of the Criminological Effects of Exemption from Punishment. *The Second Conference on New Humanities and Social Studies in Iran*. 2017; 19-28.
17. Hemmat M, Heidarpour H, Bazi Tanha GH. Principles and Necessities of Implementing Alternatives to Imprisonment for Children and Adolescents (In the Light of a Comparative View of the Iranian-American Law Experience). *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research*. 2019; 2(27): 58-69.
18. Jamadi Z, Malmir M, Shademanfar M. Reflection on the institution of impunity according to the purposes of punishment and ethical considerations. *Ethical Research*. 2020; 10(2): 35-44.
19. Hosein F. Criminological study of flogging in public in the Iranian penal system. *Bushehr Law Enforcement Quarterly*. 2016; 1(2): 12-23.
20. Alipour H, Towhidi J. Postponement of sentencing or delay in the administration of justice. *Journal of Criminal Law Studies and Criminology*. 2016; 2(4): 311-332.
21. Jamadi Z, Malmir M, Shademanfar M. Exemption from punishment in Islamic jurisprudence; Ethical, Educational and Legal Interaction. *Ethical Research Quarterly*. 2021; 10(3): 45-61.



Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e30

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.37298>



ORIGINAL RESEARCH



The Role of Ethical Principles in Determining Punishment in Criminal Law

Salman Ghasemi Falavarjani¹ , Gholam Hossein Masoud^{2*} , Ahmad Reza Tavakkoli³

1. Ph.D. Student, Department of Law, Faculty of Law, Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Basics of Islamic Law, Faculty of Law, Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 06 September 2021

Accepted: 15 February 2022

Published online: 09 March 2022

Keywords:

Ethical Principles

Punishment

Criminal Law

Ethics

ABSTRACT

Background and Aim: Determining punishment and adopting criminal laws are applied in different ways and approaches. Given the importance of the role of ethics in socialist and humanistic criminal law, the present study seeks to investigate the role of ethical principles in determining punishment.

Materials and Methods: The present research is descriptive-analytical and the method of data analysis is argumentative. Data collection was done in a library method using legal sources.

Ethical Considerations: In this article, the ethical aspects of the research have been observed while introducing the resources used along with scientific fidelity.

Findings: Ethical principles based on attention to removing of imprisonment approaches, rehabilitation and correction of offenders, alternative methods of punishment as well as defense of preventive and training methods, provides significant assistance to offenders, families, and individuals who interact with criminals and delinquents in various ways. The Islamic Penal Code also provides an ethical approach based on removing of imprisonment and assistance to criminals and delinquents in unintentional crimes.

Conclusion: Moving away from traditional justice approach and moving towards humane and ethical models, along with assisting unintentional criminals and minor crimes, promoting new alternatives to punishment, as well as paying attention to public participation in organizing judicial affairs, are manifestations of ethical intervention in determining punishment and criminal law, which need more attention.

* Corresponding Author: Gholam Hossein Masoud

Address: Department of Law, Faculty of Law, Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Postal Box: 8514143131

Email: gh.masoud@iaun.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as: Ghasemi Falavarjani S, Masoud Gh-H, Tavakkoli AR. The Role of Ethical Principles in Determining Punishment in Criminal Law. *Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e30.